



قدرت کمونیسم در کردستان اهرم مهم در تعیین تکلیف قدرت در ابعاد سراسری است

گفتگو با حسین مرادیگی (حمله سور) دبیر
کمیته کردستان حزب
در باره برنامه عمل تشکیلات کردستان

general10@ukonline.co.uk

کمونیست: برنامه عمل تشکیلات کردستان را در کمونیست ۵ منتشر کردیم. چرا تهیه چنین برنامه عملی اصولاً لازم است و اهمیت آن چیست؟

حسین مرادیگی: اگر کسی بخواهد چیزی را تغییر بدهد و اگر نخواهد استراتژی انتظار را در پیش گیرد باید تصویر یا نقشه ای برای ایجاد آن تغییر داشته باشد و معلوم کند در چه مراحل و چگونه به پیروزی خواهد رسید. هر جنگی نقشه می‌خواهد. تصرف قدرت سیاسی و سازمان دادن انقلاب بزرگترین جنگی است که کسی میتواند در آن شرکت کند. پس نقشه می‌خواهد. اما صرف نظر از این کلیات، اوضاع بشدت متحول جامعه ایران و موقعیت ناپایدار جمهوری اسلامی و موقعیت ویژه کردستان که میتواند به خارج شدن کنترل شهرهای کردستان از دست رژیم اسلامی در شرایط بسیار متنوعی یک امکان واقعی است. همه اینها و موقعیت قدرتمند کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست در کردستان و نقشی که باید این حزب در آینده ایران و در جدال بر کسب قدرت سیاسی بازی کند، فاکتورهایی هستند که تدوین چنین برنامه عملی را برای ما الزامی ساخته است.

این برنامه عمل در راستای همان اهدافی است که حزب در سراسر ایران برای آن مبارزه میکند، در عین حال اوضاع متفاوت در کردستان و نیز نفوذ و قدرت و توانایی حزب در کردستان برای تاثیر

این ممتن کامل صاحبه ای است که توسط نشریه کمونیست انجام شده است و بخشهایی از آن در آن نشریه انتشار یافته است.

گذاری بر اوضاع و خارج ساختن سریع کنترل شهرها از دست جمهوری اسلامی را مد نظر دارد. اینها در مجموع ضرورت تدوین چنین برنامه عملی را برای حزب ما در کردستان الزامی ساخته است.

کمونیست: محورهای اصلی تاکید در این برنامه عمل کدام است؟ چه تصویر عمومی ای را بدست میدهد؟

حسین مرادبیگی: محورهای اصلی کار ما در این دوره اسپنها هستند: بسیج مردم در کردستان حول سرنگونی رژیم اسلامی، تبدیل کردن حزب به رهبر "نه" مردم به جمهوری اسلامی در کردستان، تبدیل رهبران و شخصیت‌های با فی الحال با اتوریته و محبوب حزب در کردستان به رهبر اعتراضات سراسری مردم شهرهای کردستان ایران، تضمین امکان سازمان یابی، اتحاد و ابراز وجود رهبران و فعالین جنبش کارگری، جنبش برابری طلبی زنان، معلمان و جوانان، خارج ساختن کنترل محلات از دست رژیم اسلامی، گسترش جنبش مجامع عمومی و شورائی و حمایت از دیگر کانونها و اتحادیه های اقشار مختلف مردم معترض، گسترش سریع پتانسیل و ابراز وجود نظامی حزب در کردستان، به حاشیه راندن ناسیونالیسم کرد و احزاب و گروههای مربوطه و خنثی کردن بند و بست های آنان علیه مردم بویژه طرح سیاه و ارتجاعی فدرالیسم، انتگره کردن هر چه بیشتر مبارزه مردم در کردستان با مبارزه سراسری علیه جمهوری اسلامی.

کمونیست: مبنای مرحله بندی در این نقشه عمل چیست ؟ آیا این مرحله بندی اختیاری یا خیالی نیست؟

حسین مرادبیگی: مبنای مرحله بندی نقشه عمل ما از موقعیت حزب در کردستان، از تواناییها و ناتوانیهای ما در هر دوره در آمده است، به این اعتبار اختیاری و یا خیالی نیست. جوابگویی به نیاز هر دوره و هر مقطع را توانائی های ما تعیین میکند. این در واقع مبنای مرحله بندی کار ما و محور فعالیت نقشه مند حزب در کردستان است. پروسه قدرت گیری ما یک پروسه یک بعدی نیست، مراحل و پیچیدگیهای خاص خود را دارد. مساله این است ما یک نیروی قدرتمند در جامعه هستیم حزب ما در کردستان از نفوذ، موقعیت قدرتمند و صفی از رهبران با اتوریته و خوشنام در عرصه های مختلف سیاسی تشکیلاتی و نظامی برخوردار است که منحصر به فرد است. این واقعیات را باید در اوضاع بشدت متحول ایران کرد تا حرکت نقشه مند ما را درک کرد. برای بقدرت رساندن این نیرو و اینکه چگونه و طی چه پروسه ای باید آن را بقدرت رساند، باید نقشه داشت، نقشه ریخت، نقشه مند حرکت کرد و مراحل و شاخصهای پیشروی را تعیین کرد .

حرکت نقشه مند یکی از شاخصهای جدی بودن ما و یا هر نیروی سیاسی دیگری است که برای گرفتن گوشه ای در جدال سیاسی و نهایتاً کسب قدرت سیاسی مبارزه میکند. ممکن است سرعت تحولات ادغام سریع مراحل را ایجاد کند و یا بالعکس کندی تحولات، بین این یا آن مرحله، اندک فاصله ای ایجاد کند، اما این به هیچ وجه نباید از اهمیت حرکت نقشه مند و مرحله بندی شده نمی‌کاهد، بلکه بر ضرورت آن تاکید دارد.

در هر مرحله ما بر روی توانایی های واقعی و شاخصهایی که ما را قادر به گذر از مرحله ای به مرحله دیگر خواهد کرد، حساب می‌کنیم.

کمونیست: موقعیت کنونی جنبش اعتراضی در کردستان چگونه است؟ آیا این جنبش ملی است؟ چه رابطه ای میان اعتراض در کردستان و اعتراض سراسری، به لحاظ مضمونی، وجود دارد؟ چرا ما شاهد اختلاف فاز میان اعتراض در کردستان و در بعد سراسری هستیم؟ گاهی کردستان جلوتر و گاهی عقب تر از سطح اعتراض سراسری ظاهر میشود، چرا؟

حسین مرادبیگی: مبارزه و اعتراض مردم در سطوح مختلف ادامه دارد، مردم علیرغم تشدید فشار و سرکوب رژیم اسلامی در چند ماه اخیر روحیه مبارزه جویی و معترض خود را نگهداشته اند و در رویاروییهای خود با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی آن را نشان میدهند. یکی از خصوصیات قابل توجه جنبش اعتراضی در کردستان تمایل وسیع به متشکل شدن و یافتن راههای جدید و اشکال نوین مبارزه است که بدون اغراق میتوان گفت که خصلت آن به سنت اجتماعی کمونیسم کارگر متعلق است. فستیوال آدم برفی ها، همایش دفاع از حقوق جهانشمول کودک در چند روز گذشته در شهرهای سنندج و سقز و مریوان و غیره، نمونه هایی از این اشکال نوین مبارزاتی هستند. مردم بدنبال تشکل و اتحادند، هر راهی را که جمهوری اسلامی برای دور کردن آنان از تشکل می‌بندد، جنبش اعتراضی مردم سرنگونی طلب آن را از طریق دیگری باز میکند.

رهبران و فعالین این مبارزات بالاخره دارند فعالیت علنی خارج از چهارچوب رژیم اسلامی را یاد میگیرند و آن را به جمهوری اسلامی تحمیل میکنند. این سرآغاز خوبی برای حرکتهای متشکل و متحد توده ای و با شعارهای روشن در آینده است. جنبش اعتراضی در کردستان برخلاف آنچه که ناسیونالیستها ادعا میکنند یا میخواهند نشان دهند، ملی نیست، مبارزه ای صرفاً برای رفع ستم ملی نیست، هرچند که خواست رفع ستم ملی نیز بعنوان یکی از ستمهای موجود در این جامعه در کنار دیگر مطالبات توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه کردستان، مطرح است.

جنبش اعتراضی در کردستان مشابه جنبش اعتراضی در دیگر نقاط ایران و جنبشی است برای آزادی، برای رفاه و برابری. جنبشی است در اعتراض به مذهب و قوانین اسلامی، برای برابری کامل زن و مرد، برای بهداشت مجانی، مسکن مجانی، آموزش رایگان، برای لغو اعدام و غیره و غیره. ژاین نظر بلحاظ مضمونی تفاوتی بین جنبش اعتراضی در کردستان با دیگر نقاط ایران نیست، مضمون جنبش اعتراضی در کردستان ایران با مضمون اعتراض و مبارزه مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران یکی است.

ناسیونالیسم کرد و احزاب و گروههای مربوطه نسبت به این مطالبات و این خواستها بیگانه و بی ربطند، اما این به این معنی نیست که ناسیونالیست ها نسبت به رویداد ها و حرکات سیاسی در کردستان بویژه آنچه که مستقما به جنبش آنان مربوط است بی تفاوت می ماند و سعی نمی کند که مهر جنبش خود را بر آن بزنند.

اما در کردستان ایران طبقه کارگر و بورژوازی در قالب احزاب سیاسی خود علنا به مصاف سیاسی و حتی نظامی هم رفته اند. جنبش کمونیسم کارگری و ناسیونالیسم کرد در این جامعه دو جنبش معرفه اند، اثرات آن را میتوان در همه عرصه های مبارزه در کردستان بروشنی دید. حداقل درسی تا ۴ دهه گذشته جنبش ملی کرد با هیچ مبارزه و مطالبه رفاهی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه تداعی نشده است، جز در دفاع از مذهب و خرافه و تقدیس عقب ماندگی در کردستان، جز در تقابل با کمونیسم و پیشروی کمونیسم در جامعه. همه رادیکالیسم این جامعه محصول دخالت جنبش کمونیسم کارگری بوده است، این را نمیشود انکار کرد.

در مورد اختلاف فاز در کردستان، فاکتورهای متعددی دخالت دارند. بعد از انقلاب ۵۷ کردستان ایران بدلیل مبارزه سیاسی و نظامی که شکل گرفت مسیر سیاسی متفاوتی را از دیگر نقاط ایرانی کرد. احزاب چپ و راست در جامعه شکل گرفتند. در نتیجه یک کشمکش واقعی و متناقض بین راست و چپ این جامعه درگرفت.

بتدریج کمونیسم روشن تر شد و یک قطب اجتماعی نیرومندی را ایجاد کرد که حضور آن در روزهای کارگر و اول ماه مه ها انکار ناپذیر بود، بعدها در همایش زنان در ۸ مارس و اکنون نیز خود را در همایش دفاع از حقوق کودک نشان میدهد.

جنبش راست و ناسیونالیسم کرد نیز تلاش کرده است که قطب دیگری را تقویت کند، که خود را در ماجراهای فرهنگی و دفاع از عقب ماندگی، دفاع از طرح ارتجاعی فدرالیسم غیره نشان داده است. حضور و دخالت موثر و بموقع کمونیسم تناسب قوای مناسبی را برای ابراز وجود صف رادیکال جامعه ایجاد کرده و ایجا میکند که لحظات این پیشروی به اصلاح اختلاف فاز را میتوان از سطح مبارزه سراسری دید.

در عین حال دلیل وجود عقب ماندگی در کردستان و تقویت آن از طرف راست جامعه، یعنی هر وقت راست جامعه، ناسیونالیسم کرد امکان ابراز وجود پیدا کرده است، این اختلاف فاز بشکل شکف و عقب ماندن مبارزه مردم کردستان ایران از سطح سراسری خود نشان داده است. در مجموع وجود تناسب قوای مناسب برای عرض اندام و حضور صف چپ و رادیکال جامعه وجود آمده است. این حقیقت را باید دید و دخالت موثرتر کرد و گرنه، چپ به خوشخیالی و یا برداشتی سطحی از رویدادهای کردستان ایران دچار خواهد شد. این واقعیت هوشیاری بیشتری را از ما می طلبد.

کمونیست: چگونه می‌خواهید رهبری جنبش اعتراضی توسط حکمتیست ها را تضمین کنید؟

حسین مرادبیگی: از طریق دخالت گری فعال و بموقع در این مبارزات، از طریق متحد و متشکل کردن توده کارگر و دیگر مردم معترض، زنان، معلمان، جوانان، از طریق تضمین شعار نه مردم به جمهوری اسلامی، تبدیل کردن شعار آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی به شعار جنبش اعتراضی مردم کردستان ایران و از این طریق تامین رهبری حزب بعنوان رهبر سراسری جنبش اعتراضی و همزمان تامین رهبری در محل برای هدایت و رهبری مبارزات اعتراضی.

کمونیست: کمونیسم کارگری از موقعیت اجتماعی قدرتمندی در کردستان برخوردار است. بطور کلی تا چه اندازه این موقعیت به سازمان و نیروی حزبی ترجمه شده است؟

حسین مرادبیگی: متأسفانه هنوز آن اندازه که لازم است این موقعیت اجتماعی که کمونیسم کارگری در کردستان از آن برخوردار است به سازمان و نیروی حزبی متناسب با آن ترجمه نشده است. هنوز جنبش ما در ابعاد وسیع تحزب نیافته است، هنوز این درجه از نیرو و قدرت اجتماعی جنبش ما با ابعاد حزبی و سازمانی که این جنبش باید بخود بگیرد، تناسب ندارد. وجود خفقان اسلامی و فضای پلیسی ناشی از آن نیز یکی دیگر از دلایل مهم این وضعیت است. زیر حاکمیت رژیم که جوان ۱۶ ساله را بخاطر داشتن یک اطاعیه در جیب درجا تیر باران میکردند، در شرایطی که فعالیت حزبی کمونیستی هنوز خطرناک میتواند باشد، واضح است ایجاد سازمان حزبی به کندی پیش میرود.

بهر درجه که این فضا شکسته میشود، بهر درجه که تناسب قوا میان رژیم اسلامی و مردم به نفع مردم تغییر کرده است، بهمان میزان نیز سازمان حزبی ما توسعه یافته است. ایجاد سازمان حزبی قوی، گسترش شبکه ها و محافل کمونیستی در محل کار و زیست یکی از وظایف ما در این دوره است. شکی نیست وجود سازمان حزبی نیرومند یکی از ابزارهای مهم ما برای بسیج توده ای و رهبری مبارزات اعتراضی و انقلابی مردم برای بزیر کشیدن **جمهوری اسلامی و قرار گرفتن در** راس قطب رادیکال جامعه است، باید حزب در این دوره از سازمان حزبی نیرومندی در محل کار و زیست در شهرهای کردستان ایران برخوردار کرد.

کمونیست: بعد از جدائی جریان حکمتیستها از حزب کمونیست کارگری چه تغییری در تناسب قوا میان مردم و جمهوری اسلامی و میان ناسیونالیسم کرد و کمونیسم کارگری و بطور اخص جریان حکمتیست بوجود آمده است؟ تاثیر این جدائی در جامعه چیست؟

حسین مرادیبگی: بدون شک از این جدایی هم مردم و هم جامعه لطمه خوردند و به یک معنی این جدائی روی تناسب قوا بین مردم و جمهوری اسلامی نیز تاثیر منفی گذاشت، با این جدائی مردم خود را در مقابل جمهوری اسلامی ضعیف تر احساس کردند، برای بعضی ها نیز این جدائی به کابوسی تبدیل شد. از نظر ما این جدائی اجتناب پذیر بود، میتوانستیم با هم بمانیم و گسست کلمی را که کمونیسم کارگری برای تبدیل شدن به یک حزب سیاسی می بایستی از سر بگذارند با هم طی میکردیم. لیکن بخشی از رهبری حزب کمونیست کارگری که نقطه رجوعش جامعه و مردم نبود، مشغله اش آینده و سرنوشت سیاسی این مردم نبوده و نیست، با دوزدن پلنوم کمیته مرکزی و ارگانهای حزبی و دعوت به "شورش" از پائین به سبک "انقلاب فرهنگی" در چین عملا حزب را از هم پاشاند و جدائی را اجتناب ناپذیر کرد.

همه اتفاقاتی را که ما پیش بینی کرده بودیم به حقیقت پیوست، جمهوری اسلامی از این جدائی نفع برد، ناسیونالیسم کرد خوشحالی خود را از این بابت با حمله به کمونیسم علنا بیان کرد، جریانات راست اپوزیسیون ایران نیز از گوشه و کنار به ما حمله کردند، در مقابل جامعه و مردم سرنگونی طلب از این بابت متاسف شدند و بعضا هم آن را بیان داشتند.

ما با تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پرچم منصور حکمت را بلند نگهداشتیم. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست باید موقعیت قدرتمند و قوی کمونیسم کارگری را با احیا کند. شرایط بعد از جدائی و ضرورت پشت راست کردن مردم از لطمه ای که از این رویداد خوردند، نیز این تلاش را دو چندان میکند. ما به حمایت و پشتیبانی گرم توده کارگر و دیگر

بخشهای چپ و رادیکال جامعه احتیاج داریم و همه را به حمایت از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرامیخوانیم. باید خلاء ایجاد شده را سرعت پر کرد.

کمونیست: بعد از جدائی باید شاهد چه تغییری در سیاست شما در کردستان باشیم؟

حسین مرادبیگی: باید درک عمیقتری را از کمونیسم کارگری بویژه که جریان جدائی اخیر آن را الزامی کرده است، ایجاد کرد. خوشبختانه تشکیلات کردستان حزب مشکل چندانی نداشت و اکثریت قریب به اتفاق آن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوست، به این لحاظ مشکل چندانی نداریم. با وجود این، همانطور که پیشتر گفتم، این جدائی بازتاب زیادی داشته است و بعضا دلسردی ایجاد کرده است. باید سیاست آکتیوتری را برای پیش برد فعالیتهای سابق و بویژه پرکردن خلأیی که با این رویداد بوجود آمده است، انجام داد. جامعه شرایط حساسی را از سر میگذراند، فعالیت سابق به هیچ وجه جوابگوی نیازهای مبارزاتی فعلی نیست. بخش مهمی از انرژی ما در کشمکش های درونی صرف میشود. امروز باید فعالیت حزب در کردستان را چند برابر کرد، این نیاز را زندگی واقعی دارد داد میزند، در همانحال باید شبکه وسیعی از کادرهای عمیقاً مارکسیست و حکمتیست ایجاد کرد که سنت و سبک کار کمونیسم کارگری را مدام در حزب بازتولید کنند.

کمونیست: جایگاه نهادها، سندیکا و انجمنهای توده ای را چگونه می بینید؟ در برنامه عمل تشکیلات کردستان بر گسترش جنبش مجامع عمومی و جنبش شوئی تاکید شده است، در این مورد بیشتر توضیح دهید؟ چه فرقی میان نقش این تشکلهای و خود حزب بعنوان یک سازمان قدرتمند وجود دارد؟

حسین مرادبیگی: تشکلهای توده ای کارگران و دیگر بخشهای مردم معترض به جمهوری اسلامی و خود حزب بعنوان یک سازمان قدرتمند همدیگر را تکمیل میکنند. نه حزب جای این تشکلهای را میگیرد و نه این تشکلهای جای حزب را، این تشکلهای ابزار پیشبرنده مبارزات روزانه و مطالبات و خواستههای توده کارگر و دیگر بخشهای جامعه اند، حزب نمی تواند در این مورد جای آنان را بگیرد. حزب کارش ظاهر شدن در جدلهای سیاسی جامعه و از این طریق بوجود آوردن امکان انتخاب خود از جانب رهبران و فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی و از اینطریق توده ای کردن خود حزب است، بعنوان حزبی توده ای و قدرتمند در جدال قدرت در جامعه و در رهبری جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی. به این دلیل حزب، کارگران و دیگر توده های مردم را برای پیشبرد هر چه موثر تر مطالبات و خواستههای خود به ایجاد تشکلهای توده ای تشویق میکند و فرامیخواند.

ایجاد تشکلهای توده ای کار خود کارگران و رهبران و فعالین کارگری، زنان و فعالین جنبش برابری طلبی زن، معلمان، دانش آموزان، دانشجویان، جوانان و غیره است. فراخوان ما به رهبران و فعالین کارگری، زنان برابری طلب، معلمان و دانش آموزان مبارز و جوانان سکولار و خواهان زندگی مدرن و امروزی، ایجاد مجامع عمومی و شوراهای کارگری در محیط کار و کارخانه ها، ایجاد تشکلهای دانشجویی در محیط دانشگاه، تشکل معلمان، تشکل دانش آموزان در مدارس، ایجاد کانونها و انجمنهای زنان، جوانان و دیگر بخشهای مردم است. ایجاد مجامع عمومی و شوراهای کارگری در محیط کار و کارخانه ها، باتوجه سابقه مبارزاتی کارگران و نقش مجامع عمومی در پیشبرد و هدایت مبارزات جاری کارگران در مراکز مختلف کار راه را برای ایجاد اتحاد وسیعتر و گسترده تری در سطح شهرها و گسترش مجامع عمومی و ایجاد شوراهای توده ای در محلات و در سطح شهرهای مختلف هموار میکند. بدون وجود تشکلهای و نهادهای توده ای حق اظهار وجود و اعتراض سازمان یافته ژتوده کارگر و دیگر بخشهای مردم گرفته خواهد شد. اینها ارکان جامعه مدنی اند.

در این دوره تناسب قوای مساعدی برای ایجاد تشکلهای و نهادهای توده ای حول خواستههای سیاسی و صنفی بوجود آمده است، باید رهبران و فعالین کارگری، رهبران و فعالین جنبش برابری طلبانه زنان، معلمان و دانش آموزان و جوانان از آن بیشترین استفاده را برای متشکل و متحد ساختن خود، بکنند.

کمونیست: گسترش سریع پتانسیل نظامی حزب در کردستان چرا لازم است؟
اصولا چرا باید چهره مسلح داشت؟ آیا این سنت ناسیونالیسم کرد نیست؟

حسین مرادبیگی: ظرفیت و پتانسیل و ابراز وجود نظامی حزب در کردستان بخشی از ماتریال کسب قدرت سیاسی و بقدرت رساندن حزب است. سیاست در کردستان چهره مسلح پیدا کرده است. این اختراع ما نیست. عرصه ایست که نمیتوان از آن غایب بود. چهره مسلح در کردستان هم میتواند سنت ناسیونالیستی و هم سنت کمونیستی خود را داشته باشد. سازمان کمونیستی در کردستان خود را نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی که با احزاب ناسیونالیست کرد کاملا مسلح نیز روبرو می بیند. نیروی مسلح ناسیونالیست ها تنها در مقابل جمهوری اسلامی نیست بلکه اینها برای دفاع از منافع بورژوازی در کردستان، در خدمت زورگویی به توده کارگر و مردم زحمتکش و زیر پانهادن حقوق پایه ای مردم خود را تا دندان مسلح کرده اند. تامین حق فعالیت سیاسی آزادانه توده کارگر و مردم زحمتکش و تامین آزادی فعالیت کمونیستی در کردستان بدون داشتن قدرت نظامی و پتانسیل ابراز وجود مسلح در مقابل بورژوازی و احزاب ناسیونالیست کرد یک روز هم دوام نمی آورد.

نه تنها این که فعالیت آزادانه شوراهای کارگری و مردمی نیز بدون داشتن اتکا به نیروی مسلح سازمان کمونیستی قابل دوام نیست و فوری در آنان را میندند. همانطور که گفتم بدون چهره مسلح، آزادی فعالیت سیاسی توده کارگر و تبلیغ و فعالیت کمونیستی یک روز هم دوام نخواهد آورد. به اینها باید نیروی سکتهای قومی و باند سیاهی را نیز افزود که میتوانند سر راه مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه مردم سنگ اندازی کرده و مزاحمت ایجاد کنند. بنابراین چهره مسلح و داشتن پتانسیل نظامی قدرتمند یکی از ارکان استراتژی کسب قدرت در جامعه کردستان و نهایتاً در ایران است. بدون گسترش سریع نیروی نظامی حرفی از یک کاسه کردن قدرت سیاسی توسط سازمان کمونیستی و قطب چپ و رادیکال جامعه در میان نخواهد بود، این را هر کس که یک روز در کردستان ناظر کشمکش سیاسی میان احزاب سیاسی طبقاتی موجود بوده باشد با رگ و پوست خود درک کرده است.

کمونیست: آیا سازمان و آرایش نظامی ما به همان شکل قدیمی موجود در جامعه کردستان "پیشمرگانه" است؟ آیا در ایندوره فعالیت نظامی در دستور کار است؟

حسین مرادبیگی: واضح است حزب ما حزب اعتراض شهری است، به قدرت طبقه کارگر و دیگر توده معترض و آزادیخواه شهرها متکی است، شهرها مرکز بقدرت رساندن ما هستند و نیروی بقدرت رساندن ما نیز توده کارگر و دیگر مردم معترض شهرها هستند. خصلت و کاراکتر نیروی نظامی ما و همچنین خصلت ز از خصلت و کاراکتر سیاسی و اجتماعی ما ناشی میشود تابعی از آن خواهد بود. بنابراین برطبق آنچه که گفتم سازمان و آرایش نظامی ما تشابهی با نیروی سنتی موجود "پیشمرگانه" نخواهد داشت. نیروی نظامی ما در شرایط کنونی نیروئی از لحاظ نظامی شهری در محل کار و زیست، هستند و خواهند بود. سازمان و آرایش نظامی آن نیز از تابعی از خصوصیت اجتماعی جنبش ما و سنت شهری و مدرن ما خواهد بود. در این دوره واحدهای نظامی ما هیچ فعالیت نظامی ای در دستور کار خود ندارند، فعالیت آنها اساساً سیاسی است، حضور آنها در شهرها و یا گشت های آنها در اطراف شهرها نیز گشت نظامی - تبلیغی خواهند بود. علمیات مسلحانه را فعلاً در دستور کار خود نداریم مگر به ما تحمیل شود که آنوقت قوی ترین عکس العمل را نشان خواهیم داد. در هر حال، فعالیت نیروی نظامی ما اکنون اساساً سیاسی است، لیکن واضح است در صورتی که مورد حمله قرار گیرند، در دفاع از خود فوری عکس العمل نشان خواهند داد. این عرصه اکنون تقویت کننده اعتراضات شهری و مبارزات روزمره کارگران و زنان و جوانان در محل کار و زیستشان است و رشد و گسترش سریع آن نیز به رشد و گسترش سریع این مبارزات گره خورده است.

کمونیست: پروژه رهبران کمونیست در میان مردم یک شکل مهم فعالیت حزب در کردستان است بوده است. در برنامه عمل مصوب بر گسترش آن تاکید شده است، اهمیت و جایگاه این وجه از فعالیت حزب را چگونه می بینید؟

حسین مرادبیگی: این پروژه که ابتکار منصور حکمت بود، در راستای حزب و جامعه و حزب قدرت سیاسی است، الترناتیوی از قدرت و زیر پا نهادن و نادیده گرفتن قدرت و حاکمیت جمهوری اسلامی است. این پروژه برای تماس از نزدیک و در محل رهبران سرشناس و محبوب حزب با مردم شهرها و بحث و دیالوگ از نزدیک با آنان است. پروژه حضور رهبران کمونیست در میان مردم هر چند محلی است اما اهمیت سراسری آن غیر قابل انکار است. بمحض اینکه رهبران کمونیست در یکی از شهرهای کردستان حضور میابند، بلافاصله از شهرهای دیگر کردستان ایران و تهران و دیگر نقاط ایران کسب خبر میکنند، با ما تماس میگیرند و به ما تبریک میگویند. این عملیات پیچیده را تنها با نفوذ توده ای وسیع که حزب ما از آن برخوردار است میتوان ترتیب داد. گذشتن از موانع نظامی متعدد رژیم اسلامی و رساندن خود به شهر مریوان و سنندج و مناطق عمقی تری مانند سقز و بازگشت بدون تلفات، بیانگر نفوذ عمیق حزب ما و رهبران سرشناس حزب در میان مردم است و به تنهایی برای نشان دادن ابعاد سراسری این پروژه کافی است. ما در آینده نیز با در نظر گرفتن تناسب قوای میان مردم و رژیم اسلامی، در نظر گرفتن امکانات و آمادگی و شرایط و لحظه مناسب ادامه خواهیم داد.

کمونیست: برای منزوی کردن ناسیونالیسم کرد چکار باید کرد؟ آیا این یک مبارزه فرهنگی است؟ آیا یک مبارزه سیاسی است؟ چرا و چگونه این کار را انجام میدهند؟

حسین مرادبیگی: منزوی کردن ناسیونالیسم و خرافه ملی عل العموم و از جمله ناسیونالیسم کرد که اینجا مد نظر ماست در گرو پیشروی و رشد کمونیسم در جامعه و اجتماعی کردن کمونیسم است. به این دلیل این تقابل، تقابلی است اجتماعی طبقاتی، مبارزه ایست هم سیاسی و هم فرهنگی. اتفاقاً جنبه سیاسی این مبارزه در مقایسه با جنبه فرهنگی آن سهلتر و ساده تر است، جنبه فرهنگی این مبارزه ابعاد به مراتب وسیعتری را از شعر و شاعری گرفته تا هنر و ادبیات و فرهنگ و سنن عقب مانده جامعه که ناسیونالیسم کرد آن را مدام باد زده و تقویت میکند، در برمیگیرد. وجود ستم ملی و سرکوب دولت مرکزی به ناسیونالیسم کرد امکان هر نوع عوام فریبی و استفاده از هر رویداد و اتفاقی را به نفع جنبش ملی خود داده و میدهد. گویی وجود ستم ملی حمایت این ناسیونالیسم را از هر نوع خرافه ملی و قومی و مذهبی و فرهنگ و سنت عقب مانده در جامعه تحت نام "کردایه تی"

توجیه میکند. این را در جدلهایی که بر سر مسائل متنوع در جامعه، "قتل ناموسی" و غیره که در میگیرد میتوان دید، این را در موضعگیری احزاب و گروهها و افراد و ایدئولوژیهای ناسیونالیست کرد سر این مسائل بوضوح میتوان دید.

بنابراین یک بعد منزوی کردن و به حاشیه راندن ناسیونالیسم کرد در سطح جامعه، بعد فرهنگی این مساله است. ناسیونالیسم کرد متکی به دفاع مداوم از مذهب و سنت و فرهنگ عقب مانده در جامعه کردستان است و از همه امکانات و در این دوره میدیای وسیع خود برای تقویت آن کمک میگیرد. تقابل کمونیسم کارگری با ناسیونالیسم کرد در این عرصه، عرصه ایست که ناسیونالیسم کرد را در ابعاد وسیعا اجتماعی ای افشاء کرده و به حاشیه میراند، کاری که ما مدتهاست شروع کرده ایم، لیکن هنوز در ابتدای آنیم.

کمونیست: تشکیلات کردستان حزب، هزبنه های سنگینی دارد. شما بر خودکفائی مالی تاکید کرده اید. برای تامین مالی به چه امکاناتی متکی هستید و فراهوان شما در این رابطه چیست؟

حسین مرادبیگی: کمیته کردستان حزب برای پیشبرد فعالیتها و پروژه های بزرگ خود تاکنون به کمک اعضاء و هواداران و دوستان حزب متکی بوده است و از این به بعدهم این مردم تشنه آزادی و مدافع برابری و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی اند که حامی ما در پیشبرد فعالیتها و پروژه های کمیته کردستان حزب خواهند بود. برای خیلی ها این معما بوده است که چگونه این حزب بدون اتکاء به یک کشور خارجی میتواند عرصه وسیعی از فعالیت خود و بویژه پروژه های بزرگ کمیته کردستان را جلو برد! دست هیچ "دولتی" در کار نبوده است، پیشبرد این فعالیتها و این پروژه ها تنها با اتکاء به کمکهای بی دریغ اعضاء و هواداران و دوستداران حزب پیشرفته است. ما این را ما ثابت کرده ایم و هر جریان ماکزیمالیست و خلاف جریانی در هر جای دیگر نیز میتواند ثابت کند که با اتکاء به مردم سکولار و تشنه آزادی و برابری میتواند فعالیتهای خود را سازمان داده و به پیش ببرد. اما نباید امر کمک مالی را به این عده محدود کرد، این اشتباه است، این کار میتواند در امر پیشبرد پروژه های بزرگتر، حزب را دچار محدودیت کند. مردم، چپ جامعه را دوست دارند، حزب را دوست دارند و حاضرند او را در پیشبرد فعالیتها و پروژه های خود کمک کنند. باید دست کمک را بطرف توده بسیار وسیعتری که خواهان آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی و یک دنیای بهترند دراز کرد و آنان را در پیشبرد فعالیتهای حزب شریک کرد. این امر با توجه به افزایش فعالیتهای ما در این دوره، نگاهی به مجموعه فعالیت و پروژه های مهمی که در دستور کار این مرحله کمیته کردستان است به تنهایی نیاز مالی ما را روشن میکند، بویژه بعد از جدائی از حزب کمونیست

کارگری و ضرورت داشتن رادیو و تلویزیون برای تماس و وسیعتر با مردم در کردستان ایران و در سراسر ایران، جلب کمکهای مالی بیشتری را در خارج کشور و حتی در کردستان ایران ضروری میسازد. فراخوان من به همه مردم سرنگونی طلب و تشنه آزادی، به همه هواداران و دوستداران حزب در خارج کشور و در داخل کردستان این است که حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست را در پیشبرد فعالیتها و پروژه های مهم این دوره خود کمک مالی کنند، تا در کنار همدیگر و رهبری حزب ما، امر مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، رسیدن به آزادی و برابری و یک دنیای شاد و برابر و برانداختن کلیت نظام ستم و استثمار سرمایه داری بسرانجام برسانیم.

کمونیست: فراخوان شما به مردم کردستان چیست؟

حسین مرادبیگی: علیرغم مسائلی که در این دوره روی داد، باید گفت کمونیسم سر جای خودش است. کمونیسم جریانی است قوی، دری را که بر روی کمونیسم در ایران و در کردستان ایران باز شده است باید تقویت کرد. فراخوان من به کارگران، زنان، جوانان و دیگر مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان ایران این است که به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به پیوندند و حزب را بهر طریق که میتواند در پیشبرد فعالیتهايش کمک کنند. از مردم کردستان ایران میخواهم که نه واحدی در مقابل جمهوری اسلامی باشند، نه واحدی در مقابل مذهب و دخالت مذهب در جامعه و در زندگی خصوصی خود باشند، خواهان لغو اعدام باشند، جز به برابری کامل زن و مرد به چیز دیگری رضایت ندهند. از آنها میخواهم به جمهوری اسلامی بگویند نه، به مذهب و اسلام بگویند نه، و مبارزه برای یک زندگی شاد و شایسته انسان را زیر پرچم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست تا سرنگونی و درهم کوبیدن جمهوری اسلامی و رسیدن به یک دنیای بهتر و دور از هر نوع ستم و استثمار ادامه دهند. کمونیست: فکر میکنید مردم سایر مناطق و بویژه جوانان باید چه توقعی از شما داشته باشند و چه میتوانند بکنند؟ مردم دیگر مناطق و بویژه جوانان به نفوذ کمونیسم کارگری در جامعه کردستان آگاهند، آن را نقطه قدرت کمونیسم و به این اعتبار نقطه قدرت و نقطه امید خود میدانند، انتظار و توقع؛ آنها از ما این است که کار جدی تر و چشمگیری را در این دوره بویژه که جامعه دوره حساسی را از لحاظ سیاسی از سر میگذارند، در دستور کار خود قرار دهیم. باید به این توقع و انتظار بجا و واقعی آنان سریعا جواب داد، باید پرچم کمونیسم منسور حکمت را برافراشته نگهداشت و حزب حکمتیست را سریعا به صحنه سیاست و جدال قدرت در ایران پرتاب کرد، باید کارهای بزرگتری را در دستور کار خود گذاشت. انتظار و توقع ما هم از آنها بویژه جوانان این است که برای تقویت کمونیسم بویژه در محل کار و زیست خود و در دانشگاهها بکوشند و از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست حمایت و پشتیبانی کنند و به آن به پیوندند. تا با کمک و یاری همدیگر به حیات ننگین جمهوری اسلامی خاتمه داده و پیروزی کمونیسم در ایران را تحقق بخشیم.